



موزه‌ها، گرفتار سکونی مرداب‌گونه

احسان احمدی نایینی (کارشناس موزه‌داری) عکس‌ها: عباس جعفری

دوربین‌های عکاسی بر اشیای حساس به خصوص تابلوهای نقاشی، ۲- جلوگیری از عکاسی و تصویربرداری از نقشه معماری و پلان موزه جهت پیش‌گیری از نفوذ و سرقت احتمالی در موزه‌ها.

این قانون به تدریج در اثر رونق برداری آیین‌نامه‌ها و اساس‌نامه‌های موزه‌ها در اکثر موزه‌های ایران رسوخ کرد و بسیاری از موزه‌های ما باتوجه به آن که شیء موزه‌ای را در برابر زیان‌بارترین لامپ‌ها و نورپردازی‌ها قرار می‌دادند، از گرفتن عکس به‌وسیله بازدیدکننده جلوگیری می‌کردند و این رویه همچنان به‌صورت تقلید کورکورانه در بسیاری از موزه‌های ما ادامه دارد.

اگر در هنگام بازدید از موزه‌ها به خصوص بازدیدهای گروهی، اجازه عکاسی به علاقه‌مندان داده شود خواه ناخواه موزه‌ها و میراث فرهنگی به داخل محیط خانواده‌ها و سلول‌های جامعه راه یافته و این خود بزرگ‌ترین تبلیغ برای رونق صنعت گردشگری است، ضمن این که می‌توان با تقویت حفاظت فیزیکی و الکترونیکی در موزه‌ها امکان طراحی سرقت را به صفر رساند، از دیگر مضرات ممنوع بودن عکاسی در موزه‌ها ایجاد مانع برای پژوهش‌گران و محققین است، بسیاری از کسانی که با علاقه قصد پژوهش درباره‌ی اثری خاص یا دوره‌ای مشخص از تاریخ ایران را دارند هنگامی که در پیچ‌وخم قوانین اداری برای امکان تهیه تصویر و اطلاعات از آثار موزه‌ای سردرگم می‌شوند عطای تحقیق و پژوهش را به لقای آن می‌بخشند و این موضوع خود به مردن روح پژوهش در آثار و اشیای موزه‌ای می‌انجامد. در پایان این نوشتار منصفانه نیست اگر در کنار ذکر برخی از کاستی‌های

موجود به بزرگ‌ترین ویژگی موزه‌های ایران اشاره نشود و آن چیزی نیست جز غنای آثار موجود و وجود هزاران شیء اصیل برجای مانده از فرهنگ و تمدن غنی ایران زمین در موزه‌ها و بسیاری از اشیاء و آثار که هم‌اکنون در دل خاک نهانند و آیندگان وظیفه کشف و ارائه آنها را به عهده دارند. به امید روزی که با جلوگیری از تنگ‌نظری‌ها تحرک و پویایی را در موزه‌ها شاهد باشیم و روح پژوهش در کالبد آثار موزه‌ای دمیده شود.

در قرن بیست‌ویکم با پیشرفت علم و فناوری که با سرعت نور، سیاه‌چاله‌های تاریک جهل و نادانی را روشن می‌سازد و امکانات رفاه بیشتر را نصیب مردمان هر دوران می‌کند، موزه‌ها به ویژه در ایران با حرکتی لاک‌پشتی و گاهی با سکونی مرداب‌گونه شاهد گرایش جامعه به فناوری‌های جدید و علم روز و ناتوانی خویش در انجام رسالت فرهنگی خود در رابطه با پیوند تمدن گذشته با پیشرفت‌های حال و آینده هستند.

متأسفانه باید این حقیقت تلخ را پذیرفت که موزه‌های ما در دنیای امروز متناسب با نیازهای روز جامعه رشد نیافته‌اند، چند درصد از موزه‌های ما در ایران هر سال نسبت به سال قبل در موضوعات مورد نمایش، نحوه نمایش، چیدمان آثار، و دیگر اجزای موزه نظیر نور، ویتزین، نحوه خدمات دهی به بازدیدکننده و... تغییر ایجاد می‌کنند؟ در بسیاری از موزه‌های ما اگر شخص علاقه‌مندی ده سال پیش از موزه‌ای بازدید کرده باشد و هم‌اکنون بعد از ده سال به همان موزه مراجعه کند هیچ تغییری در آن مکان مشاهده نمی‌کند جز بازنشسته شدن یا تعویض برخی کارکنان موزه و این مدت زمان در تعدادی از موزه‌های ما متأسفانه به چهل تا پنجاه سال هم می‌رسد و این خود تبلیغی منفی برای مکانی است که معتقدیم زنده و پویاست!؟

رونق صنعت گردشگری ایران منوط به بهینه‌سازی و تغییر ساختار حاکم بر موزه‌هاست، به‌روز بودن موزه‌ها و تبلیغات مناسب داخلی و خارجی برای آنها در درازمدت نتایج ارزش‌مندی در پی خواهد داشت، ذکر این نکته ضروری است که در هر کشوری لازمه رونق صنعت گردشگری در وهله اول استقبال مردم آن کشور از موزه‌ها و اماکن و بناهای تاریخی است. چگونه می‌توان انتظار داشت هنگامی که موزه‌های ما در جذب بازدیدکنندگان داخلی که آشنا با فرهنگ و باورهای ملی ما هستند، ناتوانند، بتوانند بازدیدکننده خارجی را جلب و از این طریق ارزآوری برای کشور داشته باشند.

یکی از موارد لازم در تغییر ساختار موزه‌ها که خود به گسترش تبلیغات در موزه‌ها نیز می‌انجامد، تغییر قانون قدیمی منع عکاسی در موزه‌هاست، قانون منع عکاسی در موزه‌ها در گذشته بیشتر به دو دلیل عمده به وجود آمد: ۱- پیش‌گیری از اثرات نامطلوب نور فلاش



مجسمه سنگ و سرستون کاخ آپادانا در موزه ملی ایران